

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights	حقوق بشر
--------------	----------

بهرام رحمانی
۰۸ فبروری ۲۰۱۵

جاسوس پروری مجلس شورای اسلامی علیه کارگران افغان!

تهاجم سازمان یافته و راسیستی و فاشیستی حکومت اسلامی ایران بر کارگران افغانستان ساکن ایران، بار دیگر اوج گرفته است. این تهاجم وحشیانه و غیرانسانی در سه دهه گذشته، همواره در جریان بوده است. این حکومت جانی و رسانه‌هایش، حتی مردم عادی را نیز علیه این شهروندان تحریک می‌کنند. اخیراً نیز مجلس شورای اسلامی ایران، طرحی را در دست تهیه دارد که جاسوسانی را علیه کارگران افغان پرورش دهد!

جلسه «تهدید اتباع بیگانه برای بازار کار کارگران ساختمانی» عصر روز یکشنبه ۱۲ بهمن [دلو] ۱۳۹۳، با حضور علیرضا محبوب رئیس فراکسیون کارگری مجلس، عزیزی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس و اقبالی مدیرکل اتباع خارجه وزارت کار برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری کار ایران ایران «ایلنا»؛ عبدالرضا عزیزی طی سخنانی در این جلسه که عصر روز یکشنبه، در سالن اجتماعات دانشگاه علمی کاربردی کار برگزار شد، از طرحی خبر داد که در صورت تصویب مجلس، بخشی از جریمه کارفرمایانی که از کارگر خارجی فاقد مجوز کار استفاده می‌کنند به فردی که این تخلف را گزارش کرده است تعلق می‌گیرد.

رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در اجتماع کارگران ساختمانی گفت: «مجلس طرحی را در نظر دارد که اگر وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با آن همکاری کند به نتایج مطلوبی ختم می‌شود. در این طرح به فردی که کارفرمای متخلف را کشف کرده است، ۳۰ درصد از مبلغ جریمه کارفرمای متخلف تعلق می‌گیرد که باعث خود کنترولی خواهد شد.»

این نماینده مجلس ارتجاع، در ادامه سخنانش با اعلام مخالفت درباره حضور اتباع خارجی فاقد مجوز کار در کشور، در توجیه مخالفت خود مدعی شد: «من با حضور اتباع غیرقانونی افغانستان و دیگر اتباع خارجی مخالفم زیرا نه مالیات پرداخت می‌کنند، نه دیده می‌شوند و نیز عامل بسیاری از بزهکاری‌ها در کشور هستند.» عزیزی گفت: «از طرفی کارفرمایان متخلف به تحمل دو تا شش ماه زندان و پرداخت ۱۲۰ هزار تومان جریمه به ازای هر روز استفاده از کارگر غیر قانونی افغان محکوم می‌شوند.»

در ادامه این جلسه علیرضا محبوب دبیر خانه کارگر حکومت اسلامی و رئیس فراکسیون مجلس نیز با طرح این پرسش که چرا باید افغانه بدون پاسپورت در ایران حضور داشته باشد، بر لزوم پاسخ‌گویی وزارت امور خارجه

در این رابطه تاکید کرد و گفت: «وزارت کشور نیز باید پاسخگو باشد که چرا صدور پاسپورت و گذرنامه برای افغان‌ها به این آسانی است و با صدور یک برگه کاغذ آن‌ها را به کشور راه می‌دهد و بدین ترتیب زمینه سرپوش گذاشتن بر تخلفات آن‌ها را فراهم می‌کند.»

محبوب در ادامه از طرح خود، گفت: «اگر نمایندگان مجلس در این زمینه کوتاهی کردند کارگران ساختمانی می‌توانند با حضور در مقابل مجلس خواسته‌های قانونی خود را پیگیری کنند.»

این مواضع سیاسی نمایندگان مجلس شورای اسلامی، همان مواضع شناخته‌شده گروه‌های نژادپرست و راسیستی در اروپا، علیه پناهندگان و خارجی‌ان است.

مجلسی که ۱۷۰ نفر آن را دولت احمدی‌نژاد با رشوه خریده بود و یا ۱۵۰ نفر آن‌ها از مرتضوی رشوه گرفته بودند، نشان‌دهنده این واقعیت است که نمایندگان این مجلس، همانند دیگر سران و مقامات و ارگان‌های حکومت اسلامی، جانی و غارتگر و تبه‌کار هستند. حکومتی که ثروت‌های جامعه را غارت کرده و بر باد داده است و مجلس آن نیز غیر از تصویب قوانین بربریت و وحشی‌گری اسلامی، کار دیگر انجام نداده است. اخیراً اعلام شده است که رحیمی معاون اول احمدی‌نژاد، به ۱۷۰ نفر از نمایندگان رشوه داده است.

به علاوه خود محبوب و ۱۴۹ نفر از نمایندگان مجلس از سعید مرتضوی رشوه گرفته بودند. مرتضوی در دوره احمدی‌نژاد رئیس سازمان تأمین اجتماعی بود. رسوایی بزرگی که با افشای بخش‌هایی از گزارش تحقیق و تفحص مجلس در خصوص فساد در سازمان تأمین اجتماعی آغاز شد، دامن مجلس شورای اسلامی را نیز گرفت و نشان داد که فساد تا چه اندازه در کلیت ارگان‌ها و مقامات و مسئولین حکومت اسلامی ریشه دوانده است. سعید مرتضوی، در واکنش به انتشار خبر رشوه دادن به ۳۷ نماینده مجلس، این عدد را تصحیح و اعلام کرده ۱۵۰ نماینده از «کارت هدیه» بهره برده اند؛ خبری که در روزنامه‌های وابسته به اصول‌گرایان سانسور شد.

مرتضوی پیش از این نیز هشدارهایی ضمنی در خصوص افشاگری درباره پرونده کهریزک و مقابله به مثل داده بود. او در واکنش به گزارش هیأت تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی که از تریبون مجلس قرائت شد، در جوابیه‌ای به هیأت رئیسه مجلس، خود را از بسیاری از اتهامات این گزارش ۸۴ صفحه‌ای مبرا دانسته و به دفاع از واگذاری ۱۳۸ شرکت به بابک زنجانی پرداخته است.

درباره واگذاری سکه و پول نقد و کارت هدیه هم یا خود را بی‌خبر معرفی کرده و یا مدعی شده که افراد هدیه‌گیرنده، آن وجه را خرج مراجعه‌کنندگان بی‌بضاعت کرده‌اند. کلاه شرعی درست‌کردن درباره رشومخواری در حکومت اسلامی، بسیار سهل و آسان است.

مرتضوی در خصوص مجلس و این که در گزارش از ۳۷ نماینده به عنوان «هدیه بگیر» یاد شده، اعلام کرده تعداد این هدیه بگیران ۱۵۰ نفر است که علیرضا محبوب، رئیس هیأت تحقیق و تفحص و برخی دیگر از اعضای این هیأت نیز در بین آن‌ها هستند.

او در جوابیه خود نوشته است: «در صفحه ۱۰ گزارش بند (۲۷) قید شده که به ۳۷ نفر از نمایندگان محترم مجلس مبلغ یک میلیارد و سیصد و پنج میلیون ریال کارت هدیه از بودجه غیرشمول مدیرعامل پرداخت شده و در اردیبهشت ماه سال جاری سند خورده است و تسریع شده که اسامی این نمایندگان فقط نزد این‌جانب است و حاضر نشده‌ام این اسامی را با فرض انتشار عمومی در اختیار هیأت تحقیق و تفحص قرار دهم. در این رابطه به‌منظور انعکاس واقعیت موجود توجه هیأت رئیسه محترم مجلس شورای اسلامی را به این نکته جلب می‌نمایم که این تعداد به شرح فوق فقط مربوط به یک سند آن هم در اردیبهشت ماه است. در دوره فعلی بیش از یک‌صد نفر از نمایندگان

محترم مجلس در ماه‌های مختلف از این امکانات بهره‌مند بوده و این‌جانب طی نامه کتبی که رونوشت آن را نیز به ریاست محترم کمیسیون اجتماعی تسلیم نمودم به اشتباه بودن این تعداد اشاره کردم ولیکن به نظر می‌رسد چون اسامی تعدادی از اعضای محترم فعلی هیأت تحقیق و تفحص در سند‌های دیگر بوده در این گزارش حتی به تعداد واقعی نمایندگان آن اسناد نیز اشاره‌ای ننموده‌اند. تنها در دو سند مربوط به مدیرعامل سابق سازمان دو لیست از نمایندگان محترم مجلس وجود دارد که به بیش از ۱۵۰ نفر از نمایندگان دوره هشتم مجلس شورای اسلامی در یک مقطع بن و کارت هدیه پرداخت شده است و در آن لیست که اسم و مشخصات کامل نمایندگان موجود است نام ریاست محترم هیأت تحقیق و تفحص فعلی سازمان نیز به چشم می‌خورد که شاید به همین دلیل اصلاً اشاره‌ای به تعداد نمایندگان و مبالغ دریافتی آنان در دوره‌های قبل نشده است.»

به علاوه بنا به اقرار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، «امروز ۸ میلیون ایرانی که دچار سوءتغذیه هستند زیر پوشش «امنیت غذایی» قرار گرفته‌اند. وزیر از شناسایی ۱۲ میلیون فقیر خبر داد که باید از چنین کمک‌هایی بهره‌مند شوند.

البته درباره خط فقر در ایران و شمار شهروندانی که درآمدی کمتر از این میزان دارند، آمار و ارقام مختلفی ارائه می‌شود که مسؤولان دولتی و کارشناسان در مورد آن اختلاف دارند.

عادل آذر، رئیس مرکز آمار، ماه گذشته متوسط هزینه یک خانواده شهری در بهار امسال را یک میلیون و ۸۲۲ هزار تومان اعلام کرد. بر این اساس هر خانواده‌ای که چنین درآمدی نداشته باشد زیر خط فقر قرار دارد و قادر به تأمین نیازهای ابتدایی و ضروری خود نیست.

خط فقر برای خانواده‌های ساکن تهران تا ۳ میلیون تومان برآورد می‌شود. با این حال حداقل دستمزد کسانی که مشمول قانون کار می‌شوند در سال ۹۳ اندکی بیش از ۶۰۰ هزار تومان تعیین شده است.

علی ربیعی، وزیر کار دولت شیخ حسن روحانی، چندی پیش متوسط دریافتی کارگران را یک میلیون تومان اعلام کرد. حسین راغفر، کارشناس اقتصاد می‌گوید، با محاسبه‌هایی که بر مبنای آمارهای رسمی انجام شده در سال ۹۳ خط فقر در تهران برای یک خانواده ۵ نفری ماهانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان و در کمترین مقدار برای یک خانواده روستایی حدود یک میلیون تومان است.

به گفته راغفر بر مبنای اطلاعات جمعیتی سال ۹۱ حدود ۴۰ درصد از جمعیت ایران زیر خط فقر قرار دارند. این تعداد با توجه به تورم شدید دو سال گذشته می‌تواند افزایش یافته باشد.

به گزارش خبرگزاری مهر، وزیر کار روز جمعه، ۱۴ آذر [قوس]، از شناسایی ۱۲ میلیون نفر خبر داد که در فقر شدید به سر می‌برند و دچار سوءتغذیه هستند.

ربیعی می‌گوید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای مقابله با فقر غذایی ۸ میلیون نفر را شناسایی کرده و آن‌ها را تحت پوشش قرار داده است.

عضو کابینه دولت روحانی در ادامه افزود: «علاوه بر این نظام شناسایی، با کمک مرکز آمار و سازمان‌های آماری دیگر تا حدود ۱۲ میلیون نفر را شناسایی کرده‌ایم.»

ربیعی، چنین اقرار می‌کند: در ۸ سال گذشته به‌رغم صدها میلیارد دالر درآمد نفتی، فقر و بی‌عدالتی در ایران کاهش نیافته است.»

او با تاکید بر این که هزینه کردن این درآمدها بدون اصلاحات ساختاری و نهادی سرنوشتی جز این ندارد، تصریح کرد: «پروژه‌های بزرگی مطرح شد، اما چون با نگرش علمی و اصلاحات ساختاری همراه نبود این پروژه‌ها با موفقیت همراه نشد.»

دولت محمود احمدی‌نژاد در فاصله سال‌های ۸۴ تا ۹۱ از چهار منبع اصلی درآمدهای دولتی (صادرات نفت، گاز و محصولات نفتی، مالیات، خصوصی‌سازی و فروش اوراق مشارکت) مجموعاً ۹۷۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دالر درآمد داشته است.

با توجه به میزان بودجه عمومی در دولت‌های نهم و دهم مازاد درآمدهای دولتی در این دوره حدود ۱۵۴ میلیارد دالر برآورد می‌شود که سرنوشت دست‌کم ۱۰۰ میلیارد دالر آن ناروشن است.

سؤال این است که همه این مبالغ را سران و مقامات و ارگان‌های حکومت اسلامی با هم خورده‌اند؛ حالا یکی کمتر که می‌تواند ناراضی باشد و دیگری زیاده‌تر راضی‌تر. اما این دزدی‌ها و رشوه‌خواری‌ها، هنگامی مطرح می‌گردد و به رسانه‌ها نیز کشیده می‌شود که رقابت‌های جناحی بالا می‌گیرد و اغلب در مقطع انتخابات مطرح می‌گردد تا طرفین همدیگر را مرعوب سازند.

حال این همه فقر و بیکاری نزدیک به ده میلیون در کشور چه ربطی به کارگران افغان دارد. کارگران افغان هم مانند کارگران ایرانی توسط سرمایه‌داران و کارفرمایان ایرانی سرکوب و استثمار می‌گردند که حکومت اسلامی و سپاه پاسدارانش بزرگترین کارفرمای کشور هستند و در استثمار شدید کارگران و کسب سود بیش‌تر مستقیماً نقش دارند. بنابراین، عامل فقر و بیکاری در ایران نه کارگران افغان، بلکه حکومت اسلامی است که در این سی و پنج سال ثروت‌های جامعه را غارت کرده‌اند و اکثریت شهروندان ایران را نیز به خاک سپاه نشانده‌اند.

به علاوه در این سه دهه شورای‌های اسلامی کار و خانه کارگر و در رأس آن‌ها محجوب که مجلس‌نشین است و مانند دیگر مجلسیان میلیون‌ها تومان حقوق می‌گیرد، به این هم ناراضی نیست رشوه و رانت هم می‌گیرند.

چندی پیش قبض حقوق یکی از نمایندگان مجلس در رسانه‌های حکومتی منتشر شده بود که ارقام آن عبارتند از: حقوق پایه: ۳۷ میلیون و ۱۱۵ هزار و ۲۵۰ ریال؛ عایله‌مندی: ۱ میلیون ۴۴۸ هزار و ۴۰۰ ریال؛ فوق‌العاده شغل: ۳ میلیون و ۶۲۱ هزار ریال؛ حق اولاد: ۷۲۴ هزار و ۲۰۰ ریال؛ حق ایثارگری و جانبازی: ۳ میلیون و ۳۷۰ هزار و ۸۵۰ ریال؛ روند ماه قبل: ۳۰۰ ریال؛ خالص پرداختی: ۴۶ میلیون و ۲۸۰ هزار ریال (۴ میلیون و ۶۲۸ هزار تومان).

از محجوب باید پرسید حقوق کارگران؛ کارمندان و حتی استادان دانشگاه چه‌قدر است؟

محجوب و هم‌فکرانش در مجلس و دولت و دیگر ارگان‌های سرکوب حکومتی در این بیش از سه دهه، همواره برای کارفرمایان و حکومت اسلامی جاسوسی کرده‌اند و نمایندگان واقعی و فعال کارگران را لو داده‌اند که تاکنون برخی از آن‌ها اعدام و یا زندانی و از کار اخراج شده‌اند. در حالی که تنها «جرم» این کارگران اعدام شده و زندانی و اخراج‌شده، این بوده است که آن‌ها برای متشکل کردن هم‌طبقه‌ئی‌های خود و گرفتن حقوق‌شان از سرمایه‌داران تلاش کرده بودند و هنوز هم می‌کنند. الان هم از خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار همچون گذشته می‌خواهد که علیه کارگران افغان جاسوسی کنند. بنابراین، جاسوسی این ارگان‌های دست‌ساخته حکومت اسلامی در میان کارگران، تازگی ندارد. در واقع محجوب و هم‌فکرانش در مجلس و خانه کارگر و دیگر ارگان‌های حکومت اسلامی، به اندازه عمر حکومت‌شان جاسوسی کرده‌اند؛ مخالفان خود را گروه‌گروه اعدام کرده‌اند؛ ترور کرده‌اند؛

جوانان را با خرافات مذهبی شست و شوی مغزی داده‌اند؛ و ثروت‌های عمومی جامعه را به جیب زده‌اند و یا بر باد داده‌اند.

مردم افغانستان، رنج‌دیده‌ترین و محروم‌ترین و در عین حال فعال‌ترین و مبارزترین مردم منطقه هستند. این مردم، به خصوص از جنگ جهانی دوم تاکنون، همواره با کودتاها و اشغال‌ها و سرکوب‌های شدید و آوارگی روبه‌رو بوده‌اند.

با اشغال این کشور توسط ارتش شوروی سابق و مسلح کردن گروه‌های اسلامی همچون مجاهدین و القاعده توسط حکومت‌های سرمایه‌داری غربی و در رأس همه امریکا، حکومت‌های منطقه، میلیون‌ها افغان از خانه و کاشانه‌شان در داخل و خارج کشور آواره شده‌اند.

حکومت‌هایی که در افغانستان روی کار آمده‌اند کمترین توجهی به زیست و زندگی مردم، حتی به ویژه برای آوارگان و پناهندگانی که به کشور برمی‌گردند، یا به دلایل مختلف از جمله از کشورهای منطقه مانند ایران و پاکستان به افغانستان برگردانده شده‌اند وضعیت بدتری دارند. اغلب آن‌ها بدون کار و خانه و در اردوگاه‌ها و چادرها زندگی مشقت‌باری دارند. به دلایل مختلف به خصوص بیکاری و فقر سبب شده است که بسیاری از آن‌ها، به گروه‌های اسلامی ارتجاعی بپیوندند تا زندگی خود را تأمین کنند.

آمار رسمی درباره افغان‌های مقیم ایران وجود ندارد. اما گفته می‌شود تا سه میلیون افغان در ایران کار و زندگی می‌کنند. این انسان‌ها، محروم و زحمت‌کش و سخت‌کوش، به هر کار سخت و خطرناکی تن می‌دهند. آن‌ها کارهایی مانند سنگ‌تراشی، جاده‌سازی، چاه‌کشی، حفر تونل، دباغی، نظافت و... را انجام می‌دهند. برخی از آن‌ها حدود سه دهه است که در ایران کار و زندگی کرده‌اند اما هنوز حق اقامت ندارند. در حالی که در کشورهای اروپایی بر اساس کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، پناهندگان پس از چهار سال اقامت در کشورهای اروپایی، می‌توانند درخواست اقامت دایم کنند.

اگر حکومت اسلامی ایران در دوره جنگ ایران و عراق بسیاری از افغانها را به جبهه جنگ می‌فرستاد اما پس از پایان این جنگ هشت ساله، همواره با آن‌ها بدرفتاری کرده و سیاست‌های وحشیانه و فاشیستی علیه افغانهای مقیم ایران اعمال کرده است. حتی اخیراً خبرهایی منتشر شده که حکومت اسلامی ایران برخی افغان‌ها را برای دفاع از حکومت جانی سوریه به جنگ داخلی این کشور فرستاده است.

حکومت اسلامی ایران، یکی از حامیان اصلی حکومت آدم‌کش سوریه است. سپاه پاسداران و نیروهای امنیتی حکومت اسلامی ایران و همچنین حزب‌الله لبنان، که از سوی حکومت اسلامی مورد حمایت همه‌جانبه قرار می‌گیرد در کنار ارتش و نیروهای امنیتی سوریه علیه مخالفان می‌جنگند. در سال ۲۰۱۴، از جمله اخبار و گزارش‌هایی از کشته‌شدن و یا اسیر شدن افغان‌هایی که از ایران توسط حکومت اسلامی به جنگ داخلی این کشور فرستاده شده‌اند، منتشر شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ده‌ها تن از شهروندان افغانستان که در حمایت از نظام بشار اسد در سوریه می‌جنگند، کشته شده‌اند.

سازمان جهانی نظارت بر حقوق بشر می‌گوید که شمار زیادی از افغان‌هایی که در سوریه می‌جنگند توسط شورشیان مخالف حکومت بشار اسد اسیر نیز شده‌اند.

بر اساس این گزارش، بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه از ایران خواستار کمک شده و شهروندان افغان به خاطر حمایت از ارتش سوریه توسط ایران به میدان‌های جنگ در این کشور فرستاده شده‌اند.

این در حالی است که پیش از این نیز گزارش‌ها در مورد فرستاده شدن شهروندان افغان به جنگ سوریه در بدل پرداخت ۵۰۰ دالر آمریکائی خبر داده بودند.

گفته می‌شود ۳۰۰۰ شهروند افغانستان در سوریه مستقر شده‌اند تا در جنگی که در این کشور جریان دارد شرکت کنند.

احتمالاً دو عامل می‌تواند شرکت افغانهای مقیم ایران در جنگ داخلی سوریه را فراهم کند: ۱- عامل مذهبی ۲- عامل بیکاری و فقر.

از سونی، گفته‌هایی نیز وجود دارد که شهروندان افغان هم‌زمان با این‌که به نفع نظام بشار اسد می‌جنگند، در برابر این نظام و در صف گروه دولت اسلامی (داعش) نیز می‌جنگند.

فرستاده شدن شهروندان افغان به خاطر اشتراک در جنگ سوریه نگرانی شدیدی را در افغانستان برانگیخته است و شماری از این نگران‌اند که جنگجویان افغان در صف داعش دوباره به کشور برگشته و زیر پرچم این گروه در افغانستان فعالیت کنند.

شبکه سی‌ان‌ان نیز بر اساس ویدئویی که از گروهی از مخالفان سوریه به دست آن شبکه رسیده و نیز فرستادن خبرنگاری به افغانستان، گزارشی در مورد اعزام گروهی «بیکارجوی افغان به سوریه، که در ایران تعلیم دیده و از آن مستمری می‌گیرند»، منتشر کرده است.

در ویدئویی که از سوریه به دست شبکه خبری سی‌ان‌ان رسیده، شورشیان حین نبرد یکی از نیروهای هوادار بشار اسد را از خرابه‌هایی بیرون می‌آورند که مشخص می‌شود اهل افغانستان است.

مردی در جایی از این ویدئو خود را «سید احمد حسینی» معرفی می‌کند و می‌گوید که مهاجر افغان در ایران است، مبلغی نزدیک به ۵۰۰ دالر از ایرانی‌ها می‌گیرد تا در سوریه بجنگد و ایرانی‌ها او را آموزش داده‌اند. این فرد می‌گوید ایرانی‌ها او را «برای دفاع از حرم زینب» به سوریه آورده‌اند.

سی‌ان‌ان در عین حال یک عکاس خبری خود را به شرق افغانستان فرستاد تا در این مورد گزارشی تهیه کند. در این بخش از گزارش، گروهی از مردان افغان که چهره خود را پوشانده‌اند، می‌گویند به تازگی از آموزش‌ها از ایران به روستای خود بازگشته‌اند تا با خانواده خود پیش از اعزام به سوریه خداحافظی کنند.

این افراد مایل به افشای هویت خود و محل سکونت خود نبودند. یکی از این افراد می‌گوید به دو دلیل به سوریه می‌رود؛ آن‌جا علیه امریکائی‌ها می‌جنگد و این‌که از ایران پول می‌گیرد.

به گفته یکی از مردان کسانی که علیه حکومت بشار اسد می‌جنگند «برده‌های امریکائی» هستند و به همین دلیل «می‌خواهیم با آن‌ها بجنگیم و آن‌ها را بکشیم».

بنا بر این گزارش با وجود پیچیدگی در مورد دلیل رفتن به سوریه، اکثراً می‌گویند آن را راهی برای پول درآوردن می‌دانند.

سی‌ان‌ان می‌گوید این افراد جزئیات دقیقی از تجربیات خود به گزارشگر آن ارائه داده‌اند و نیز در ویدئو پاکت‌های بانکی نشان داده شده که ظاهراً از پرداخت مبلغی بین ۵۰۰ تا هزار دالر به آن‌ها در ایران حکایت دارند. به گفته این شبکه خبری افراد دیگر ساکن روستا نیز این روایت‌ها را تأیید کرده‌اند.

«بیکارجویائی» که با آن‌ها صحبت شده گفته‌اند قبلاً در صف طالبان بوده‌اند، اما به دلیل اختلافاتی، آن گروه را ترک کرده و به ایران رفته‌اند؛ «یا کشته می‌شویم یا با پولی که ایران قول آن را داده بر می‌گردیم».

در عین حال این گزارش نشان می‌دهد که این افراد اطلاعات زیادی از رخدادهای سوریه ندارند. وقتی از آن‌ها در مورد گروه «خلافت اسلامی» در سوریه، که ایران آن را یک گروه تروریستی می‌داند و برای مبارزه علیه آن به نیروهای عراقی کمک می‌کند، پرسیده می‌شود یکی از مردان می‌گوید «با آن‌ها می‌نشینیم و صحبت می‌کنیم، اگر فکرهایمان نزدیک بود، با آن‌ها دوست خواهیم شد.»

شایان ذکر است که حکومت اسلامی ایران، در جنگ هشت ساله ایران و عراق به نیرو نیاز داشت گروه‌مگروه کارگران افغان را به جبهه جنگ فرستاد که احتمالاً بسیاری از آن‌ها جان باختند. اما پس از پایان جنگ، بدرفتاری با آن بخش از افغان‌هایی آغاز شد که می‌خواستند با دست‌رنج خود کار و زندگی کنند و وابسته به هیچ‌یک از گروه‌های مذهبی نبودند.

عزیز کاظمی، مدیرکل امور اتباع خارجی وزارت کشور، با تأیید ممنوعیت اقامت اتباع افغان در ۹ استان ایران، گفته که طرح ممنوعیت اقامت افغان‌ها در چند استان دیگر نیز مطرح است.

کاظمی که روز دوشنبه اول دی [جدی] ۱۳۹۳، با خبرگزاری حکومت اسلامی «ایرنا»، گفت‌وگو کرده، گفت که دولت هنوز درباره ممنوع شدن اقامت اتباع افغان در دیگر استان‌های کشور، به «نتیجه قطعی» نرسیده و «این طرح‌ها در حال بررسی است.»

این مسئول وزارت کشور حکومت اسلامی ایران، اعلام کرده که استان‌های مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی، کردستان، سیستان و بلوچستان، کهگیلویه و بویراحمد، زنجان و گلستان به جز بخش مرکزی، اقامت اتباع افغان در آن‌ها ممنوع است. اما او توضیحی درباره دلایل این ممنوعیت نداده است.

این سخنان چند روز پس از آن بیان شد که مدیرکل اتباع و مهاجران خارجی استانداری مازندران، از ممنوعیت اقامت و حضور اتباع افغان در این استان در نیمه دوم سال جاری خبر داد.

عزیز کاظمی با تأیید این ممنوعیت و «ابراز رضایت» از آن، گفته است که «این طرح در استان مازندران به خوبی به نتیجه رسیده است و هم اکنون هیچ افغانی در این استان اقامت ندارد.»

تبلیغات راسیستی و فاشیستی حکومت اسلامی ایران علیه افغان‌های مقیم ایران، سبب شده است که رسانه‌های حکومتی هر کار زشت و غیراخلاقی را به افغان‌ها نسبت دهند. در واقع رسانه‌های حکومتی، همواره علیه افغان‌های مقیم ایران جو سازی می‌کنند.

او همچنین افزوده است که «هم‌اکنون طرح ممنوعیت اقامت اتباع افغان در برخی از استان‌های کشور مطرح است اما هنوز به نتیجه قطعی در این باره نرسیده‌ایم و این طرح‌ها در حال بررسی است.»

پیش از این یک نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی خبر داده بود که در جلسه شورای تأمین این استان با حضور وزیر کشور مقرر شده تا «طرح جامع ممنوعیت کامل حضور افغانه» در این استان با «لحاظ مسائل اجتماعی، امنیتی و بین‌المللی» تدوین شود.

از جمله روزنامه شهروند در روز ۲۵ آذر ۱۳۹۳، خبر داد که یک معلم در شهرستان پاکدشت استان تهران برای تنبیه چهار دانش‌آموز افغان، آن‌ها را مجبور کرده است که «دست خود را در توالت و سپس در دهان خود فرو کنند.»

همچنین فلمی در شبکه‌های اجتماعی از «برخورد تحقیرآمیز» یک مأمور نیروی انتظامی ایران با اتباع افغان به صورت گسترده منتشر شده است.

تنبیه چهار دانش‌آموز افغان در ایران که آن را بسیاری بی‌سابقه می‌دانند، موجی از پیام‌های همدلانه ایرانیان با مهاجران افغانستان را به دنبال داشته است.

نیمه آذر ماه سال جاری نیز روزنامه شهروند، چاپ تهران گزارش داد که معلم مدرسه‌ای ابتدایی در پاکدشت ورامین، چهار دانش‌آموز افغانی را وادار کرده دست‌های خود را در کاسه توالت فرو کنند، اگرچه در همان گزارش، اظهارات مدیر آموزش و پرورش پاکدشت نیز منتشر شده است که می‌گوید تنبیه دانش‌آموزان افغان به این شکل نبوده و فقط به آن‌ها گفته شده که سالن را تمیز کنند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، «ایرنا»، روز دوشنبه اول دی ۱۳۹۳، اظهارات علی اقبالی، مدیرکل اشتغال اتباع خارجی وزارت کار ایران را منتشر کرده است که تأکید می‌کند زنان اتباع خارجی در ایران اجازه کار ندارند. او اظهار داشت: «به زنان اتباع خارجی فیلپینی و یا کشورهای دیگر اجازه کار داده نشده است و اگر در منازل مسکونی زنان دیگر کشورها به عنوان خدمه به کار گرفته شوند، طبق قانون با متخلفان برخورد خواهد شد و به مقام قضائی معرفی می‌شوند.»

او توضیحی در خصوص وضعیت اجازه اشتغال مردان خارجی در منازل مسکونی ایرانیان نداد. آخرین آمار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از حضور اتباع خارجی در بازار کار ایران که آذر سال گذشته منتشر شد، نشان می‌دهد حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار مهاجر خارجی در ایران مشغول به کار هستند که ۸۶ درصد آن‌ها را مهاجران افغان تشکیل می‌دهند.

در این میان مهاجران کشورهای دیگر مانند فیلپین سهم بسیار اندکی از بازار کار ایران پیدا می‌کنند به‌طوری که وزارت کار ایران عنوان کرده است که به جز مهاجران افغانستان، عراق، پاکستان و ترکیه، مهاجران دیگر کشورها در ایران در مجموع کمتر از ۲۵ هزار موقعیت شغلی پیدا کرده‌اند.

حکومت اسلامی ایران، علاوه بر اخراج شهروندان افغان مقیم ایران، مجازات‌های سنگینی نیز برای کارفرمایان اتباع خارجی غیرمجاز تعیین کرده است.

به گفته علی اقبالی، «مجازات‌های به کارگیری اتباع خارجی غیرمجاز در هر روز پنج برابر حداقل مزد و در صورت تکرار ۱۰ برابر حداقل مزد است» و در نهایت این مجازات می‌تواند تبدیل به زندان از ۹۱ تا ۱۸۰ روز بشود.

دولت فاشیستی اسلامی ایران، به تازگی نیز در بخشنامه‌ای اشتغال اتباع خارجی در دستگاه‌های دولتی و عمومی غیردولتی ایران را ممنوع اعلام کرده که این ممنوعیت البته شامل اتباع خارجی مجاز است.

به این ترتیب، افغان‌های مقیم ایران، پیش از این نیز بارها هدف سیاست‌ها و رفتارهایی قرار گرفته‌اند که نمونه‌ای از سیاست‌های تبعیض‌آمیز و نژادپرستی حکومت اسلامی است. حتی به کودکانی که یکی از والدین‌شان ایرانی و دیگری افغان است شناسنامه صادر نمی‌کنند و این کودکان از حق شهروندی محرومند.

سازمان دیدبان حقوق بشر، روز یکشنبه ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴ از سیستم ناقص پناهجویی در ایران شدیداً انتقاد کرد. پاترشیا گوسمن، پژوهشگر ارشد این سازمان در امور افغانستان در بیروت گفت، تصمیم اخیر حکومت اسلامی ایران برای تمدید شش ماهه اقامت ۴۵۰ هزار مهاجر افغان در این کشور قابل تحسین است اما این اقدام نمی‌تواند جایگزین مناسب برای سیستم ناقص پناهجویی ایران باشد.

گوسمن افزود: «این اقدام دولت ایران به این دلیل که از اخراج فوری نزدیک به نیم میلیون مهاجر افغان از این کشور(ایران) جلوگیری می‌کند، قابل تحسین است، اما نمی‌تواند سیستم ناقص پناهجویی موجود در این کشور را اصلاح کند.»

پاترشیا گوسمن از دولت ایران خواست، افغان‌هایی که بازداشت شده‌اند باید فرصت پناهندگی برای آن‌ها داده شود و به خواست‌های آن‌ها به صورت منصفانه رسیدگی گردد. همچنان آن افغان‌هایی که در خواست پناهندگی‌شان رد می‌شود باید فرصت حمایت‌های حقوقی و قانونی داده شود تا درخواست آن‌ها تجدید نظر گردد.

این در حالی‌ست که محمد محقق، معاون رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی افغانستان اوایل دسمبر پیش برای حل مشکلات مهاجران افغان وارد ایران شد. بعد از بحث‌های زیاد، سرانجام وزارت خارجه ایران اعلام کرد که اقامت ۴۵۰ هزار مهاجر افغان در ایران برای شش ماه تمدید شد.

حکومت اسلامی ایران با سیاست‌های راسیستی و نژادپرستانه، با اعمال تبعیض و سرکوب‌های فراوان علیه این بخش از مردم جامعه ایران، توهین به کل جامعه ایران و بشریت می‌کند. از این‌رو، ضروری‌ست که فعالان تشکلهای موجود کارگران، زنان، دانش‌جویان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وبلاگ‌نویسان و هنرمندان ایرانی در داخل و خارج کشور، در حمایت از افغان‌های مقیم ایران و در مخالفت با سیاست‌های فاشیستی حکومت اسلامی، دست به اعتراض و اعتصاب و تظاهرات بزنند تا همه حق و حقوق افغان‌های مقیم ایران را به حکومت اسلامی تحویل کنند.

طبیعی‌ست که هر جریان و فرد کمونیست، انسان‌دوست و مدافع حقوق آزادی و برابری انسان‌ها، سیاست‌های راسیستی اسلامی و نژادپرستانه حکومت اسلامی ایران را شدیداً محکوم کند و از هر طریق ممکن به دفاع از افغان‌های مقیم ایران و اعطای حق شهروندی به همه آن‌ها برخیزد.

جمعیت افغان‌های مقیم ایران، خلاف ادعاهای مقامات و رسانه‌های حکومت اسلامی ایران، نه تنها عامل بیکاری نیستند، بلکه با تحمل کارهای سخت و خطرناک برای جامعه ایران ثروت آفریده‌اند و هنوز هم می‌آفرینند. آن‌ها نیروی کار ارزان و بی‌حقوق سرمایه‌داران ایرانی هستند. آن‌ها در طول سه دهه گذشته، در بدترین شرایط در ایران کار کرده‌اند و مالیات پرداخته‌اند. بنابراین، آن‌ها در تولید ثروت و درآمدهای جامعه ایران، نقش مستقیم داشته‌اند و این حق مسلم آن‌هاست که از حق شهروندی برخوردار شوند. آن‌ها باید از حق اقامت دایم در ایران، از تحصیل و کار، از امکانات بیمه و درمان و... برخوردار گردند. کارگران و مردم آزاده ایران باید از اعتراض و مبارزه مهاجران و پناهندگان، از حق ماندن و کارشان در ایران دفاع نمایند. پناهندگان و مهاجران افغان، بخشی از بی‌حقوق‌ترین و محروم‌ترین و سرکوب‌شده‌ترین بخش طبقه کارگر ایران هستند که امروز نیاز عاجل و فوری به حمایت هم‌طبقه‌ای‌هایشان دارند. امروز باید به حمایت از شهروندان افغان مقیم ایران به پا خاست. شاید فردا دیر شود!

شنبه هجدهم بهمن [دلو] ۱۳۹۳ — هفتم فبروری ۲۰۱۵